

[واجبات نماز 1](#_Toc53241994)

[فرع (عدم تدارک سجده بر فرش) 1](#_Toc53241995)

[وجه عدم تدارک (واجب مستقل بودن) 2](#_Toc53241996)

[مناقشه در وجه عدم تدارک (نامأنوس بودن وجوب استقلالی سجده بر مهر) 2](#_Toc53241997)

[حکم دو سجده بر فرش در صورت لزوم تدارک 2](#_Toc53241998)

[الف)حکم التفات به اخلال بعد از رکوع 2](#_Toc53241999)

[ب)حکم التفات به اخلال قبل از رکوع 3](#_Toc53242000)

[1-صحّت نماز با تدارک دو سجده 3](#_Toc53242001)

[بیان وجه صحّت (انصراف نهی از زیاده به احداث زیاده) 3](#_Toc53242002)

[وجود مبنای انصراف خطاب به احداث در کلمات مرحوم خویی 3](#_Toc53242003)

[بررسی تهافت مبنا با حکم رساله 4](#_Toc53242004)

[مناقشه در صدق زیاده با اتیان به سجده غیر مأمور به 6](#_Toc53242005)

[مناقشه در انصراف نهی از زیاده به احداث زیاده 7](#_Toc53242006)

[نتیجه دو مناقشه 8](#_Toc53242007)

[واجبات نماز 9](#_Toc53242008)

[نیّت 9](#_Toc53242009)

[مناقشه مرحوم حکیم در دخول نیّت در واجبات یا مسمّای نماز 9](#_Toc53242010)

**موضوع**: نیّت /واجبات نماز /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

# واجبات نماز

**صاحب عروه می فرماید**: واجبات الصلاة أحد عشر‌النية و القيام و تكبيرة الإحرام و الركوع و السجود و القراءة و الذكر و التشهد و السلام و الترتيب و الموالاة

## فرع (عدم تدارک سجده بر فرش)

در جلسات قبل به تناسب بحث، فرعی مطرح کردیم؛

**آقای سیستانی همچون صاحب عروه فرموده اند**: که اگر کسی به نحوی سجده کند که فاقد شرائط شرعی سجود باشد مثل این که بر فرش سجده کند، حتّی اگر یک سجده هم باشد و در محلّ سجده هم باشد، تدارک نیاز ندارد «مضی و لا شیء علیه».

### وجه عدم تدارک (واجب مستقل بودن)

**مرحوم خویی در توجیه این فرمایش صاحب عروه فرمودند**: این مطلب، طبق نظر مشهور است که قراردادن پیشانی بر «ما یصح السجود علیه» واجب مستقلی است و شرط سجود نیست و مرحوم حکیم، بر این مطلب ادّعای اجماع نموده اند.

#### مناقشه در وجه عدم تدارک (نامأنوس بودن وجوب استقلالی سجده بر مهر)

**انصافاً برای ما نامأنوس است که بگوییم**: همان طوری که ذکر سجود، شرط سجود نیست و واجب مستقلی در سجود است «وضع الجبهه علی ما یصح السجود علیه» نیز واجب مستقلی باشد؛ یعنی نماز، مرکب از سجود عرفی و از وضع الجبهة علی ما یصح السجود علیه در آن سجود عرفی باشد؛ این بیان، خلاف ظاهر أدله است که بیان می کند «لاتسجد الا علی الارض أو ما أنبتته الارض».

به هر حال، اگر این نظر صحیح باشد، فتوای صاحب عروه به طور کامل موجّه است که اگر بعد از رفع رأس از سجده أول، متوجّه شود که بر فرش سجده کرده است مانند این است که ذکر را فراموش کرده باشد و محل آن واجب گذشته است و تدارک لازم نیست.

## حکم دو سجده بر فرش در صورت لزوم تدارک

أما چون این نظر-همان طور که مرحوم خویی فرموده اند- خلاف متفاهم عرفی از أدله است، بحث می شود که در صورتی که سجده واحدی باشد و محلّش باقی است تدارک می شود و اگر بعد از رکوع باشد که دیگر محلّ تدارک آن گذشته است، نماز صحیح است.

### الف)حکم التفات به اخلال بعد از رکوع

أما اگر دو سجده بر فرش واقع شده باشد، اگر بعد از رکوع ملتفت شود بحث آن، مبتنی بر همان بحث سابق خواهد بود که آیا حدیث لاتعاد به لحاظ عقد مستثنی –یعنی لاتعاد- اخلال به شرائط شرعی سجود را شامل می شود و مستثنی تنها اخلال به سجود عرفی را موجب اعاده می داند؟ که برخی مانند محقق حائری در کتاب صلاة و سید داماد و مرحوم خویی در جلد 3 و 13 موسوعه این نظر را اختیار کرده اند و صحیح هم همین نظر است؛ و لذا این شخص که بر فرش سجده کرده است به این خاطر که به سجود عرفی، اخلال نزده است و به شرائط شرعی سجود اخلال زده است، نمازش صحیح خواهد بود. أما اگر اخلال به شرائط شرعی سجود که اخلال به سجود مأمور به است را داخل در عقد مستثنی قرار دهیم –که نظر أخیر مرحوم خویی در جلد 15 موسوعه است- یعنی حدیث لاتعاد اخلال به سجود شرعی و مأمور به را تصحیح نمی کند، نماز باطل خواهد بود.

### ب)حکم التفات به اخلال قبل از رکوع

حال، اگر قبل از رکوع ملتفت شود که دو سجده اش بر فرش بوده است، حکمش چیست؟

#### 1-صحّت نماز با تدارک دو سجده

**آقای زنجانی در رساله فرموده اند**: دو سجده بر مهر انجام می دهد و دو سجده قبلی که بر فرش بوده است معفوّ است؛ حال در توجیه این که چرا دو سجده ای که سجده عرفی بوده و سجده شرعی نبوده، زیاده رکن و مبطل نیست، دو توجیه بیان شده است؛

##### بیان وجه صحّت (انصراف نهی از زیاده به احداث زیاده)

**یک توجیه را مرحوم حائری در کتاب الصلاة به مناسبت در صفحه 161، 179 و 343 بیان فرموده اند**: ظاهر دلیل مانعیّت زیادی در نماز، این است که چیزی را زایداً احداث کنیم؛ أما اگر فعلی را انجام دادیم و هنگام احداث آن، متّصف به زیادی نبود و بعداً کاری انجام دادیم که آن فعل سابق، متصف به زیاده شد، از أدله نهی از زیادی در نماز، انصراف دارد؛ لذا وقتی این شخص دو سجده بر فرش انجام داده و هنوز دو سجده روی مهر انجام نداده است، عرفاً «زاد فی صلاته سجدتین» صدق نمی کند بلکه «أتی بالسجدتین علی غیر وجه المأمور به» صادق است؛ حال وقتی دو سجده صحیحه انجام می شود، موجب می شود که آن دو سجده سابق، متّصف به زیاده بعد از وجود، شود که أدله نهی از زیاده از آن منصرف است.

##### وجود مبنای انصراف خطاب به احداث در کلمات مرحوم خویی

جالب این است که مرحوم خویی نیز این کبری را قبول نموده که أدله نهی از زیاده، از احداث زیاده نهی می کند و از «جعل الفعل السابق زیادة بعد وجوده» نهی نمی کند و به مناسبت هایی این بحث را مطرح نموده اند؛ از جمله در مصباح الفقاهة‌ جلد 1 صفحه 392 به این تناسب فرموده اند: اگر کسی خبر دهد که فردا این کار را انجام خواهم داد و مطمئن بود که این کار را انجام می دهد، ولی فردا پشیمان شد، برخی گفته اند که به خاطر این که اگر خلاف آن حرف دیروز عمل شود، کذب رخ می دهد و کذب حرام است، باید به حرفی که زده است پایبند باشد. مرحوم خویی فرموده اند: احداث کذب حرام است و «جعل الخبر السابق کاذباً» حرام نیست بعد مثال می زنند که «نظیر ذلک ما حققنا فی کتاب الصلاة فی البحث عن معنی الزیادة فی المکتوبة و قلنا ان المراد بها هو الزیادة الابتدائیة و علیه فاذا أوجد المصلی شیئا فی صلاته بعنوان الجزئیة ثم بدا له اخراجه عن عنوانه الاولی و الحاقه بالزیادة لم یکن محکوما بحکم الزیادة فی الفریضة فلاتشمله "من زاد فی صلاته فعلیه الاعادة"». مثلاً اگر می خواست «مالک یوم الدین» بگوید ولی تنها «ما» را گفت، در صورتی که از ابتدا می خواست «ما» را بگوید، نمازش باطل است، ولی اگر می خواست ادامه دهد ولی پشیمان شد و برگشت تا مثلاً یکبار دیگر مدّ مستحبّش را رعایت کند، اشکالی ندارد؛ زیرا وقتی «ما» را بیان می کرد زائد نبود و بعد از این که ادامه اش را نگفت، آن دو حرف را زیاده قرار داد که «لاتزد فی صلاتک، من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده» از آن منصرف است. و مرحوم تبریزی در ارشاد الطالب جلد 1 صفحه 231 نیز همین مطلب را تکرار کرده اند.  
**مرحوم خویی در موارد زیادی این مبنا را تکرار می کنند**؛ مثلاً در جلد 14 صفحه 430 تعبیر می کنند که احداث زیاده منع دارد و «جعل الفعل السابق زیادة، منع ندارد. همچنین در جلد 18 صفحه 204 این مطلب را تکرار می کنند.

###### بررسی تهافت مبنا با حکم رساله

**ممکن است گفته شود:** طبق این مطلب، مرحوم خویی و مرحوم تبریزی قبول دارند که احداث زیاده منع دارد و «جعل الفعل السابق زیادة» نهی ندارد؛ پس چرا در رساله این مطلب را نیاورده اند که اگر مصلی، دو سجده را بر ما لایصح السجود علیه مثل فرش، انجام دهد و قبل از رکوع ملتفت شود باید دو سجده شرعی بر مهر انجام دهد؛ بلکه فرموده است که این نماز باطل است. توجّه شود که در جلد 3 و 13 موسوعه بیان کردند که اگر اخلال به سجده، اخلال به سجود عرفی نباشد حدیث لاتعاد جاری شده و آن را تصحیح می کند و نه تنها مبطل نیست بلکه اعاده هم لازم ندارد؛ ولی در جلد 15 موسوعه که اخلال به سجود شرعی را موجب عدم جریان لاتعاد دانسته اند این نماز را باطل دانسته اند در حالی که خود ایشان فرموده اند که متعلّق نهی «جعل الفعل السابق زیادة» نیست بلکه احداث زیادی متعلّق نهی است و لذا می تواند دو سجده بر مهر انجام دهد و نماز صحیح باشد.

**مرحوم خویی بیانی دارند که از آن استفاده می شود که چرا این مطلب را نگفته اند**: ایشان ظاهراً می خواهند بگویند که این دو سجده ای که مصلی بر فرش انجام داده است از حیث حدوثش متّصف به زیاده است و اگر بعداً دو سجده بر مهر هم انجام نشود، این دو سجده بر فرش، زاید بر مأمور به است؛ زیرا مأمور به «اسجد علی الارض» بود و لذا دو سجده أول که علی الارض نبود از حین حدوثش، زاید بر مأمور به بوده است و چه دو سجده تدارک شود و چه نشود، این دو سجده از حین حدوث، متّصف به زیادی است و نماز باطل است.

لذا طبق بیان آقای زنجانی تا مصلی این دو سجده صحیحه را انجام ندهد، دو سجده قبلی، متّصف به زیاده نخواهد شد. و کلام مرحوم حائری در مشابه این فرع، در کتاب الصلاة همین است. ولی طبق بیان مرحوم خویی، این دو سجده أول ولو دو سجده صحیحه هم انجام نشود، متّصف به زیاده است و زیاده به این معنا است که کاری انجام شود که از مأمور به خارج است. لذا طبق این نظر ایشان که اخلال به سجود شرعی داخل در عقد مستثنی حدیث لاتعاد است، نماز باطل خواهد بود زیرا زیاده از باب «جعل السجدتین الاولیین زیادة» با اتیان دو سجده صحیحه نیست، بلکه اگر دو سجده صحیحه هم انجام نمی شد آن دو سجده أول از حین حدوث، متّصف به زیاده بود.

مرحوم خویی به این مطلب در جلد 15 موسوعه صفحه 138 در این بحث که می فرمایند اگر مصلی در هنگام سجده، بفهمد سرش را روی فرش گذاشته است مشهور فرموده اند اگر می تواند سر را روی مهر می کشاند و جرّ رأس می کند؛ ولی مرحوم خویی فرموده اند که ما جرّ رأس را قبول نداریم؛ زیرا از أدله استفاده کرده ایم که «اسجد علی الارض» دلالت دارد که حین احداث سجود، باید سجده بر ارض باشد و بر فرش نباشد و احداث سجود زمانی است که سر روی فرش گذاشته شده است و لذا با این سجده، سجود علی الارض احداث نشده است و باید این سجده منهدم شود و رفع رأس شود و جرّ رأس فایده ندارد.

(بیان نکته ای در اینجا بد نیست؛ می گویند اگر بنا بود جرّ رأس فایده داشته باشد، باید عمداً هم جایز باشد که مصلی، ابتدا سر خود را روی فرش بگذارد وبعد روی مهر بکشد، در حالی که هیچ فقیهی به آن ملتزم نشده است.) بعد مرحوم خویی می فرمایند: پس رفع رأس لازم است و جرّ رأس فایده ندارد؛ و لذا این سجده بر فرش، یک سجده عرفی است که تتمیم آن به وسیله جرّ رأس ممکن نیست و لذا این سجده از أجزای صلاة نبوده و از ابتدای وقوعش، متّصف به زیاده است چه رفع رأس انجام شود و چه انجام نشود؛ یعنی اگر این نماز هم ادامه داده شود و سجده صحیحه انجام نشود، در آن نماز زیاده سجده عرفی وجود دارد، کما این که نقیصه سجده شرعی هم دارد. از ابتدا که سر روی مهر گذاشته می شود این سجده، سجده عرفی زائد محسوب می شود ولی چون سهوی بوده است اشکالی ندارد؛ حال اگر در سجده أول، جرّ رأس نکرد و رفع رأس کرد که مرحوم خویی می فرماید ولو با یکی دو سانت فاصله رفع رأس کن و دوباره به سجده برگرد، و در سجده دوم نیز مثلاً چادر این زن بین سر و مهر قرار گرفت، دیگر نماز او باطل است؛ زیرا زیادی سجده أول که پیشانی روی چادر قرار گرفت، زیادی سهوی سجده واحد بود ولی وقتی در سجده ثانیه هم همین گونه شد، زیادی سجدتین در رکعت واحد محقق می شود و از حین احداث سجده ثانیه، متّصف به زیاده می شود و نماز باطل می شود.

**توجّه شود که**: وقتی مصلّی می خواهد «مالک یوم الدین» را بگوید ولی تنها «ما» را می گوید در صورتی که از ابتدا شک داشته باشد که وقتی «ما» را می گوید، بعد آن «لک» را می گوید یا نه، در صورتی که «لک» را نگوید نماز باطل است؛ ولی اگر قصدش این بود که کامل بگوید و «ما» را گفت ولی مثلاً سرفه اش گرفت و با این که می توانست سرفه نکند، أما سرفه کرد و «ما» کلام آدمی شد، نماز صحیح است زیرا «ما» صحّت تأهّلیه داشت و مأموربه تأهّلی بود (لذا مانند سجده بر فرش نیست که اخلال به مأمور به شرعی باشد و از حین احداث، احداث أمر زائد بر مأمور به صدق کند) و این شخص، کلام سابق را زیادی و کلام آدمی قرار داد در حالی که نهی منصرف به «احداث زیادی» است یعنی از حین احداث، متّصف به زیاده باشد.

**ما در اینجا دو شبهه داریم که این دو شبهه را بیان می کنیم؛**

#### مناقشه در صدق زیاده با اتیان به سجده غیر مأمور به

**شبهه أول این است که:** در رابطه با این که کدام یک از فرمایش مرحوم حائری و آقای زنجانی و فرمایش مرحوم خویی را انتخاب کنیم، انصافاً اگر دو سجده أخیره که صحیحه است را نیاورم، عرف می گوید «زدت فی صلاتک سجدتین»؟! کدام عرف این را می گوید؟! به صرف این که دو سجده أول، مأمور به نبوده و فاقد شرط «وضع الجبهه علی ما یصلح السجود علیه» بوده است تعبیر «لقد زدت فی صلاتک سجدتین» صدق نمی کند، بلکه تعبیر «أتیت بالسجدتین و لکن أخللت بشرائطهما» صدق می کند و وقتی دو سجده صحیحه انجام می دهم تعبیر «أجعل تلک السجدتین الاولیین زیادة» صدق می کند.

مرحوم خویی چنین فرمود که حتّی اگر دو سجده صحیحه انجام ندهم، چون این دو سجده أول، مأمور به نبوده است متّصف به زیاده می شود؛ انصاف این است که این حرف صحیح نیست و هر چیزی که مأمور به نباشد متّصف به زیاده نمی شود؛ مثلاً وقتی قرائت، ملحونه خوانده شود می گویند «قرائت صحیحه نخواندی». وقتی سجده بر «ما لایصح السجود علیه» انجام می شود و تدارک انجام نمی شود، از نظر عرف این نماز فاقد رکن یا فاقد شرائط رکن است نه این که واجد رکن زائد باشد. حداقل شک حاصل می شود و این فرمایش مرحوم خویی که عرف از حینی که سجده بر فرش انجام می شود آن را سجده زائد محسوب کند، مشکوک می شود.

طبق فرمایش مرحوم خویی، اگر کسی حمد و سوره را ترک کند و عمداً به رکوع برود، باید آن را هم بگوید که رکوع زاید انجام داده است؛ چون رکوع مأمور به، رکوعی است که بعد از قرائت باشد؛ در حالی که هیچ عرفی این را نمی گوید بلکه عرف می گوید تو همه کارها را کردی و فقط قرائت را ترک کردی و لذا نمازت باطل است.

اگر این شخص از ابتدا بنا دارد که دو سجده بر فرش انجام دهد و بعد دو سجده بر مهر انجام دهد مثل این می ماند که از ابتدا بنا دارد که «مالک یوم الدین» را قطع کند و ابتدا «ما» را بگوید و بعد «مالک» بگوید، که خارج از بحث است؛ فرض بحث این است که شخص بنا ندارد و خود مرحوم خویی در مورد «مالک» فرمودند که از ابتدا بنا ندارد که «مالک» را قطع کند.

اگر اشتباهی دو سجده را بر فرش انجام داد و بنا نداشت تدارک کرده و دو سجده را بر مهر انجام دهد، انصافاً فرمایش مرحوم حائری و آقای زنجانی صحیح است که از أول که آن دو سجده را انجام می داد تعبیر «تزید فی صلاتک سجدتین غیر شرعیتین» صدق نمی کند.

#### مناقشه در انصراف نهی از زیاده به احداث زیاده

**لکن شبهه دوم این است که:** آیا عرفاً «من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده» از جعل الفعل السابق زایداً، منصرف است؟ بله از فرض تعمّد منصرف است، أما آیا عرفاً زیاده ولو زیادی غیر عمدی، در اینجا صدق نمی کند؟!

بعد از این که این شخص دو سجده را بر فرش انجام داد و فهمید اشتباه کرده است و در ادامه، دو سجده بر مهر انجام داد، به رأی فقهی مرحوم حائری که در مشابهش در کتاب الصلاة بیان فرموده اند و فتوای صریح آقای زنجانی، عرفاً «أنت زدت فی صلاتک سجدتین» ولو به لحاظ فعل متأخّر صدق نمی کند و عرف، منصرف می داند؟! مثلاً اگر صاحب زمین گفت که دو تا اتاق خواب بیشتر در این خانه نساز، سه تا زیادی است و اتاق خواب سه در چهار است؛ حال مهندس معمار این زمین از ابتدا یک اتاق دو در دو در آورد ولی بعد رفت و دو تا اتاق سه در چهار نیز در آورد؛ آیا اینجا نمی گویند «زدت فی هذا البیت غرفة»؟! با این که از أول می گفت یک اتاق دو در دو کافی است و همان را درست می کنم و بنا نداشت سه اتاق درست کند ولی بعد که دید بنا بوده دو اتاق سه در چهار بسازد گفت اشکالی ندارد و سه اتاق درست کرد؛ عرف می گوید «جعل الغرفة الاولی زیادة»؟ آیا این فرض از دلیل نهی از زیاده غرفه، انصراف دارد؟ عرف می گوید «زدت فی هذا البیت غرفة» زیرا بنا بود دو تا اتاق بسازی ولی سه تا اتاق ساختی. اتاق أول زیاده است چون دو تا اتاق سه در چهار را مالک لازم داشت. همین که فعل سابق را زیاده قرار می دهد کافی است در این که این اتاق ولو در زمان متأخّر، متّصف به زیاده شود. چرا «من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده» شامل اینجا نشود؟! سؤال ما این است. انصافاً «زدت فی صلاتک سجدتین» صدق می کند. و این که شارع دو سجده بر فرش را قبول ندارد و به دو سجده بر مهر أمر می کند موجب نمی شود که زیاده صدق نکند، بلکه أمر شارع تنها زیاده را از عمد بودن ساقط می کند (و چون زیادی غیر عمدی دو سجده با حدیث لاتعاد تصحیح نمی شود نماز باطل خواهد بود) این که گفته شود شارع از زیاده در نماز منع می کند ولی شامل این زیاده که در مقام امتثال أمر، حاصل می شود، نمی شود، ادّعایی جدید است و ادّعایی غیر از ادّعای مرحوم حائری و مرحوم خویی است که می فرمودند در جایی که جزء أول صحیح است می تواند آن را اختیاراً ناقص رها کند مثلاً سوره را قبل از بلوغ به نصف رها کند و سوره دیگر بخواند و از باب «جعل السورة السابقة زیادة» می شود. و مرحوم خویی این فرض را قبول داشتند و تنها در جایی که از ابتدا باطل انجام می شود، فرمودند که من معتقدم از اول متّصف به زیاده است؛ که عرض ما این است که آیا فرمایش مرحوم حائری و آقای زنجانی عرفی است و «لم أزد فی صلاتی سجدتین» صدق می کند؟

اگر عنوان زیاده صادق باشد دیگر «من زاد فی صلاته فعلیه الاعاده» گیری نخواهد داشت. و این که گفته شود هر چند زیاده صادق است ولی خود شارع، دستور به اتیان دو سجده أخیر کرده است و خطاب نهی از زیاده، از این مورد منصرف است؛ می گوییم سجدتین أخیرتین بر مهر که نهی ندارد تا بگویید شارع گفته این کار را بکن، و نهی وضعی و ارشادی به مانعیّت، به آن سجدتین اولیین تعلّق گرفته است؛ بله زمان تعلّق نهی، بعد از این است که متّصف به زیاده می شود.

به نظر ما زیاده صدق می کند و در همان مثال اتاق، وقتی مهندس می گوید که مالک نباید می گفت سه در چهار بساز و همین دو در دو بس است و غرفه صغیره را ساخت و بعد پشیمان شد و دو اتاق سه در چهار دیگر طبق أمر صاحب زمین ساخت، به نظر ما «لاتزد فی هذا البیت غرفة، من زاد فی هذا البیت غرفة ثالثة فعلیه کذا» صدق می کند و البته تعمّد در زیادی صادق نیست.

#### نتیجه دو مناقشه

این دو شبهه ای است که ما داریم و لذا نتیجه می گیریم که همان حرف هایی که قبلاً زدیم صحیح است که اگر قبل از رکوع ملتفت شد که دو سجده اش بر فرش بوده است، دو سجده را تدارک نکند؛ حال، اگر فرمایش آقای سیستانی صحیح باشد که بر خود سجده، قانون «السنة لا تنقض الفریضه» پیاده کنیم می گوییم سجود فریضه است و اخلال به شرائط شرعی سجود که در قرآن نیامده است، اخلال به سنّت است که این حرف خوبی بود و اگر این کلام صحیح باشد دیگر مشکلی نداریم. در سجده واحد نیز مشکل ما حل است چه برسد به دو سجده.

أما اگر این را نگفتیم و کلام مرحوم خویی که قبلاً می فرمود را بگوییم که قبل از رکوع، یک سجده تدارک می شود و سه تا سجده می شود و چون یکی از این سه تا سجده، زیادی سهوی است، حدیث لاتعاد سجده أول که بر فرش است را شامل می شود و سجده دوم هم تدارک شد. این مطلب مقتضای صناعت است.

# واجبات نماز

# نیّت

**صاحب عروه می فرماید**: واجبات الصلاة أحد عشر‌النية و القيام و تكبيرة الإحرام و الركوع و السجود و القراءة و الذكر و التشهد و السلام و الترتيب و الموالاة

مرحوم حکیم راجع به أولین فعل نماز که صاحب عروه فرمود «النّیه» فرموده اند: نیّت یعنی قصد قربت و أصلاً واجب شرعی در نماز نیست و نه شرط و نه جزء است و تنها از باب تحصیل ملاک لازم است.

این بیان ایشان موافق با مسلک مشهور در بحث تعبّدی و توصّلی است. لکن آقای حکیم در اینجا مطالبی دارند که منشأ شده مرحوم خویی به ایشان اشکال کنند.

## مناقشه مرحوم حکیم در دخول نیّت در واجبات یا مسمّای نماز

**مرحوم حکیم فرموده اند**: نیّت به معنای «ارادة الصلاة» است و اراده نماز، قطعاً در مسمّای نماز دخیل نیست؛ زیرا وقتی شخصی می گوید «أردت الصلاة فصلیت»، اگر اراده داخل در صلات باشد اتحاد اراده و مراد لازم می آید و لذا اراده جزءاً و شرطاً خارج از مسمّی است؛ بله، اگر به عنوان مأموربه حساب کنیم، داخل در متعلّق أمر هم نیست؛ زیرا اراده غیر اختیاریه است و نمی تواند در متعلّق أمر أخذ شود و افعال ارادیه به خاطر خود اراده، اختیاری اند، حال اگر بنا باشد اراده، اختیاری باشد تسلسل لازم می آید چون اراده اختیاری باشد به این معنا است که متعلّق اراده، اراده دیگری است و آن اراده دیگر هم متعلّق اراده دیگری است و هکذا یتسلسل.

لذا ایشان نیّت را به معنای اراده می گیرند و بعد می فرمایند «ارادة الصلاة» داخل در مسمّای نماز و داخل در متعلّق أمر به صلات نیست؛ بلکه یک واجب عقلی دخیل در ملاک است که باید آن را تحصیل کنیم.

مرحوم خویی سه اشکال به مرحوم حکیم بیان می کنند که در جلسه بعد بیان خواهیم کرد.

أما اگر مقصود صاحب عروه از واجبات أعم از واجبات عقلیه و شرعیه باشد اشکالی مرحوم حکیم وارد نیست. شاید مقصود صاحب عروه واجبات نماز، أعم از واجب عقلی و شرعی باشد.